

علاقه جنسی یا گناه ذاتی!

برای ما مسلمانان که علاقه دوهمسرها بیکدیگر یکی از نشانه‌های بارز وجود خداوند میدانیم، (۱) و نکاح را « سنت » و تجرد را « شر » حساب میکنیم هنگامیکه میخوانیم یا میشنویم بعضی آئین‌ها **علاقه جنسی** را ذاتاً پلید، و آمیزش جنسی را (ولو با همسر مشروع و قانونی) مر جب تباهی و سقوط میدانند، دچار تعجب میشویم.

عجب‌تر آنکه میگویند: دنیای قدیم عموماً گرفتار این « وهم » بوده است. برتر اندر اسل فیلسوف اجتماعی مشهور معاصر میگوید: « عوامل و عقاید مخالف جنسیت در اعصار خیلی قدیم وجود داشته و بخصوص در هر جا که مسیحیت و دین بودا پیرو شد عقیده مزبور نیز تفوق یافت و سرتارک مثالهای زیادی از این فکر عجیب مبنی بر اینکه چیز ناپاک و تباهی در روابط جنسی وجود دارد ذکر مینماید. در آن نقاط دنیا نیز که دور از تأثیر مذهب بودا و مسیحیت بوده است ادیان و راهبانی بوده‌اند که طرفداری از تجرد معبر کرده‌اند، مانند « اسنیت‌ها » در میان یهودیان . . . و بدین طریق يك نهضت عمومی ریاضت در دنیای قدیم ایجاد شد. در یونان و روم متمدن نیز طریقه کلبیون جای طریقه اپیکور را گرفت . . . افلاتونیان نو نیز با اندازه کلبیون ریاضت طلب بودند از ایران این عقیده (دکترین) بسمت باختر پخش شد که ماده عین تباهی است و بهمراه آن این اعتقاد بوجود آمد که هر گونه رابطه جنسی ناپاک است و این عقیده با جزئی اصلاح، اعتقاد کلیسای مسیحیت محسوب گردید. » (۲)

این عقیده قرن‌ها وجدان انبوه عظیمی از افراد بشر را تحت نفوذ ترس آور و نفرت‌انگیز خود قرارداد و بقیده **روانکاو**ان نفوذ این عقیده، اختلالات روانی و بیماریهای روحی فراوانی را موجب شده است که از اینجهت مانند ندارد.

* * *

(۱) و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمة - سوره روم آیه ۲۱ - یعنی: یکی از نشانه‌های او اینست که از خود شما برای شما همسر آفرید، تا با او آرام گیرید و میان شما مهر و محبت قرار داد.

(۲) کتاب دانشوی و اخلاق صفحه ۲۵ و ۲۶.

منشأ پیدایش اینگونه افکار و عقاید چیست ؟ چه چیز سبب میشود که بشر بعلاقه و میل طبیعی خود بچشم بدبینی بنگرد و در حقیقت جزئی از وجود خود را محکوم کند ؟ مطلبی است که مورد تفسیر متفکرین قرار گرفته است و ما اکنون در صدد کاوش در آن هستیم ، مسلماً علل گوناگونی میتوانند در گرایش بشر باینگونه افکار و آراء دخیل باشند .

ظاهراً علت اینکه فکر پلیدی «علاقه و آمیزش جنسی» در میان مسیحیان تا این حد اوج گرفت ، تفسیری بود که از بدو تشکیل کلیسا ، از طرف کلیسا برای مجرد بستن حضرت عیسی مسیح ، صورت گرفت . گفته شد علت آنکه مسیح تا آخر مجرد زیست ، پلیدی ذاتی این عمل است و بهمین جهت روحانین و مقدسین مسیحی شرط وصول بمقامات روحانی را آلوده نشدن بزین در تمام مدت عمر دانستند و «پاپ» از میان اینچنین افرادی انتخاب میشود . بعقیده ارباب کلیسا تقوا ایجاب میکند که انسان از ازدواج خودداری کند .

راسل میگوید : «در رسالات قدسین به دو یا سه توصیف زیبا از ازدواج بر میخوریم ، ولی در سایر موارد ، پدران کلیسا از ازدواج بزشتترین صورت یاد کرده اند . هدف ریاضت این بوده که مردان را متقی سازد . بنا بر این ازدواج که عمل پستی شمرده میشد بایستی منعدم شود . «باتبر بکارت درخت زناشوئی را فرو اندازید» این عقیده راسخ سن ژروم درباره هدف تقدس است» (۱)

کلیسا ازدواج را به نیت تولید نسل جایز می شمارد . اما این ضرورت ، پلیدی ذاتی این کار را از نظر کلیسا از میان نمیببرد ، علت دیگر جواز ازدواج ، دفع افسد بفسد است یعنی باینوسیله از آمیزشهای بی قید و بند مردان و زنان جلوگیری میشود .

راسل میگوید : «طبق نظریه سن پول ، مسئله تولید نسل هدف فرعی بوده و هدف اصلی ازدواج همان جلوگیری از فسق بوده است ، این نقش اساسی ازدواج است که در حقیقت دفع افسد بفساد شمرده شده است» (۲)

کلیسا ازدواج را غیر قابل فسخ ، و طلاق را ممنوع می شمارد ، گفته میشود کلیسا خواسته است باینوسیله ازدواج را تقدیس و از تحقیر آن بکاهد . ممکن است علت ممنوعیت طلاق و غیر قابل فسخ بودن ازدواج از نظر کلیسا این باشد که خواسته است برای کسانی که از بهشت تجرد رانده شده اند جریمه و مجازاتی قائل شده باشد !

چنانکه میدانیم عقاید تحقیر آمیز راجع بخود زن در میان ملل و اقوام قدیمه مبنی بر این که زن انسان کامل نیست ، برزخی است میان انسان و حیوان ، زن دارای نفس ناطقه نیست ، زن

(۱) زناشوئی و اخلاق صفحه ۳۰

(۲) ، ، صفحه ۳۱

به بهشت هر گزراه نخواهد یافت! و امثال اینها زیاد وجود داشته است، این عقاید و آراء تا آنجا که از حدود ارزیابی زن تجاوز نمیکند اثر روانی، غیر از احساس غرور در مرد و احساس حقارت در زن ندارد.

اما عقیده پلیدی، علاقه و آمیزش جنسی، طلقاً روح زن و مرد را متساویاً آشفته میسازد و کشمکش جانکاهی میان **غریزه طبیعی** از یک طرف و **عقیده مذهبی** از طرف دیگر وجود میآورد. ناراحتی‌های روحی که عواقب وخیمی بار میآورد همواره از کشمکش میان تمایلات طبیعی و تلقینات مخالف اجتماعی پیدامیشود، از اینجهت است که اینمسئله فوق‌العاده مورد توجه محافل روانشناسی و روانکاو قرار گرفته است.

* * *

با توجه بنکات فوق، منطق عالی اسلام فوق‌العاده جلب توجه میکند، در اسلام کوچکترین اشاره‌ای به پلیدی، علاقه جنسی و آثار ناشی از آن نشده است، اسلام مساعی خود را برای تنظیم این علاقه بکار برده است.

از نظر اسلام روابط جنسی را فقط مصالح اجتماع حاضر یا نسل آینده محدود میکند و در این زمینه تدابیری اتخاذ کرده است که منجر با احساس محرومیت و ناکامی و سرکوب شدن این غریزه نگردد.

متأسفانه دانشمندان، امثال برتر اندر اسل که از عقاید مسیحیت و بودایی و غیره در این زمینه ها انتقاد میکنند، درباره اسلام سکوت مینمایند. راسل در کتاب زناشویی و اخلاق همینقدر میگوید: «کلیه بانیان مذاهب با استثناء محمد و کنفوسیوس، اگر بتوان مسلك او (کنفوسیوس) را مذهب نامید، توجهی با اصول سیاسی و اجتماعی نداشته و کوشیدند تا تکامل روح را از راه اشراق، تفکر و فنا فراهم کنند» (۱).

بهر حال از نظر اسلام، علاقه جنسی نه تنها با معنویت و روحانیت منافات ندارد، بلکه جزء خوی و خلق انبیاء است.

در حدیثی میخوانیم: **من اخلاق الانبیاء حب النساء** (۲) رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) طبق آثار و روایات فراوانی که رسیده است، محبت و علاقه خود را بزن در کمال صراحت اظهار میکرده‌اند و بر عکس روش کسانی را که میل بر هبانیت پیدا میکردند سخت تقبیح مینمودند.

(۱) زناشویی و اخلاق صفحه ۸۶

(۲) وسائل جلد ۳ صفحه ۳

یکی از اصحاب رسول اکرم بنام **عثمان بن مظعون** کار عبادت را بجائی رسانید که همه روزها را روزه میگرفت ، و همه شب تا صبح بنماز میپرداخت ؛ همسروی جریانرا باطلاع رسول اکرم رسانید ، رسول اکرم درحالی که آثار خشم از چهره اش هویدا بود ازجا حرکت کرد و پیش عثمان بن مظعون رفت ، و باو فرمودای «عثمان» بدان که خدامرا برای رهبانیت نفرستاده است، شریعت من شریعت فطری آسانی است؛ من شخصاً نماز میخوانم و روزه میگیرم و باهمسر خودم نیز آمیزش میکنم ، هر کس میخواهد از دین من پیروی کند باید سنت مرا بپذیرد ، ازدواج و آمیزش زن و مرد بایکدیگر جزء سنت های من است .

* * *

مطالبی که درباره پلیدی علاقه جنسی و آثار ناشی از آن گفتیم مربوط بگذشته دنیای غرب بود ، دنیای غرب در زمان حاضر در زمینه اخلاق جنسی نسبت بگذشته ، باصطلاح **یکدور ۱۸۰ درجه ای زده است!** امروز همه سخن از تقدیس و احترام علائق و روابط جنسی و لزوم آزادی و برداشتن هر قید و بندی در این زمینه است ، در گذشته آنچه گفته شده است بنام دین بوده و امروز نقطه مقابل آنها بنام علم و فلسفه پیشنهاد میشود .

بدبختانه ، اضرار افکار قدیم غربیها باهمه ضعیف بودن وسایل ارتباطی میان اقوام و ملل مصون نماندیم و کم و بیش در میان ما رخنه کرد ، اما افکار جدیدشان در اوضاع و احوال حاضر سیل آسا بسوی ما روان است . (در شماره آینده درباره افکار جدیدی که در زمینه اخلاق جنسی در جهان پیدا شده بحث خواهیم کرد) .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی (ع) میفرماید :

وَرِعَ الْمُؤْمِنُ يَظْهَرُ فِي عِلْمِهِ وَوَرِعَ الْمُنَافِقُ لَا يَظْهَرُ

الآفِي لِسَانِهِ .

: «پارسائی شخص با ایمان در علم و دانش او آشکار می شود در حالی که پرهیزکاری شخص منافق جز در زبانش ظاهر نمیشود»
غرر الحکم